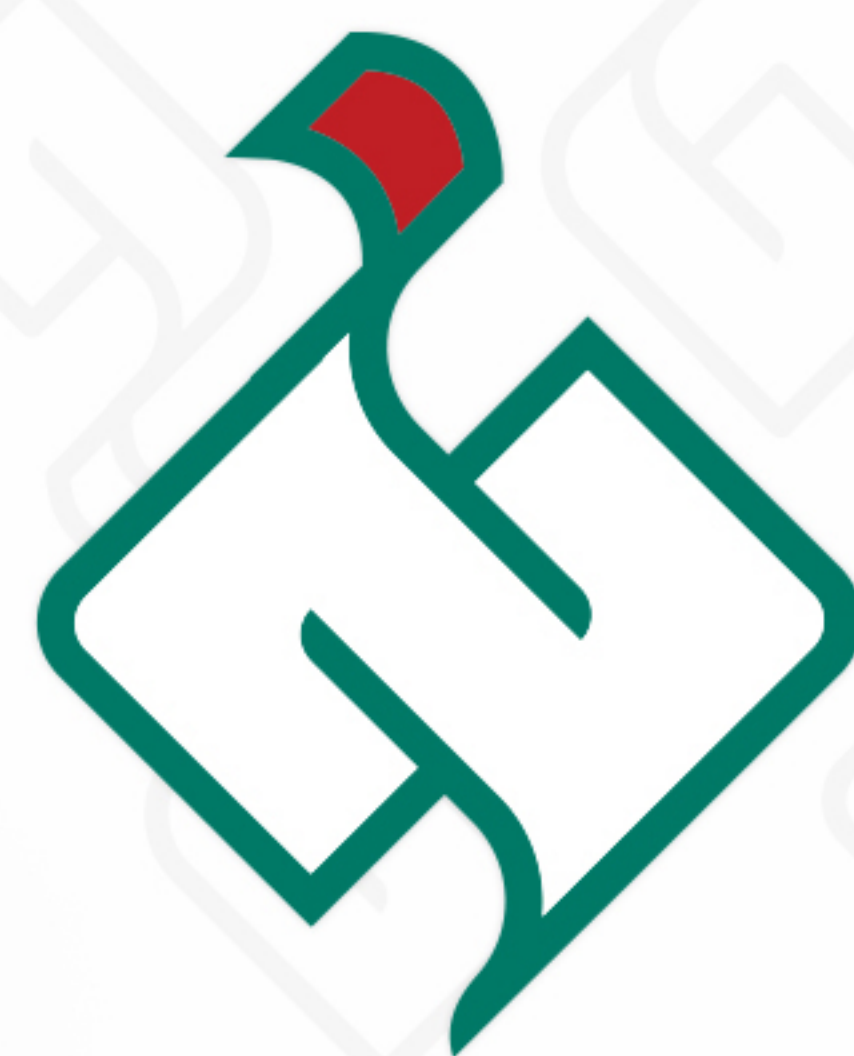




انديشكده فرهنگ و توسعه

معرفی مقاله

نویسنده: کریستوفر اریکسون

(استاد «علم داده‌های اجتماعی»، مرکز Create)

دانشکده حقوق، دانشگاه گلاسگو، بریتانیا)

منبع انتشار: Creative Industries Journal

تاریخ انتشار: ۲۸ اکتبر ۲۰۲۴

هوش مصنوعی و کار در صنایع خلاق:
پیوستگی دیجیتال یا گسست؟



چکیده:

در حال حاضر، درباره‌ی تأثیر فناوری‌های هوش مصنوعی مولد بر بازارهای کار و شرایط اشتغال در صنایع خلاق، عدم قطعیت قابل توجهی وجود دارد. پژوهش‌های پیشین، امکان جایگزینی (Replacement) و نیز جابجایی (Displacement) نیروی کار انسانی را در نتیجه‌ی به کارگیری هوش مصنوعی شناسایی کرده‌اند. این مقاله آثار بالقوه‌ی پذیرش هوش مصنوعی را با تکیه بر مطالعه‌ی موردی شش محصول تجاری که از هوش مصنوعی استفاده کرده‌اند بررسی می‌کند، تا شرایط کار و سازوکارهایی را تحلیل کند که از طریق آن‌ها، کار خلاق انسانی ممکن است توسط فناوری هوش مصنوعی جایگزین یا جابجا شود. یافته‌های اصلی نشان می‌دهد که محصولات مبتنی بر هوش مصنوعی بیش از محصولات رسانه‌ای سنتی به نیروی کار نیاز دارند، زیرا ترکیبی از مهارت‌های تولید سنتی و تخصص‌های محاسباتی جدید را در بر می‌گیرند. به‌طور متناقضی، سهم و نقش کارگران انسانی در محصولات نهایی نامرئی می‌شود، در حالی که در ظاهر، فناوری هوش مصنوعی برجسته می‌گردد. همچنین، امکان جابجایی نیروی کار انسانی در مرحله‌ی ایده‌پردازی وجود دارد، زیرا هوش مصنوعی به تولیدکنندگان اجازه می‌دهد گزینه‌های خلاقانه‌ی گوناگونی را بررسی کنند. برخی محصولات هوش مصنوعی توان رقابت با شیوه‌های پیشین تولید را دارند (برای نمونه: تصویرسازی تولیدشده توسط هوش مصنوعی در برابر عکاسی استوک). در مجموع، یافته‌های این مطالعه موردی با چالش‌های مداوم ناشی از دیجیتالی‌شدن سازگار است: شرایط تضعیف مهارت‌ها، نیاز به بازآموزی، اشتغال انعطاف‌پذیر و عدم قطعیت، همچنان برای شرکت‌های کوچک فعال در تولید خلاق مبتنی بر هوش مصنوعی بسیار شدید است.

کلمات کلیدی:

هوش مصنوعی، کار خلاق، اختلال فناورانه، حق مؤلف، بنگاه‌های خلاق



خلاصه مسئله‌یابی، اتکای پژوهشی و روش

این پژوهش به مسئله تأثیر هوش مصنوعی مولد بر ماهیت و سازمان کار در صنایع خلاق می‌پردازد؛ پرسش محوری‌اش این است که آیا این فناوری جایگزین نیروی انسانی می‌شود یا شکل کار را دگرگون و جابه‌جایی‌هایی در مراحل تولید ایجاد می‌کند. اتکای پژوهش بر شواهد تجربی شش محصول تجاری در حوزه‌های متن، موسیقی، بازی، رقص، تصویر و معماری به‌کار گرفته شده تا به‌جای گمانه‌زنی، از بطن تولید حرفه‌ای سرخ بگیرد. روش‌شناسی، مطالعه‌ی موردی چندگانه با رویکرد مقایسه‌ای است: مصاحبه‌های نیمه‌ساخت یافته با اعضای تیم‌های تولید، تحلیل فرایندهای کاری (از گردآوری/پاک‌سازی داده تا ویرایش خروجی مدل‌ها) و هم‌سنجی منابع جانبی مانند مواد بازاریابی، یادداشت‌های تولید و بازخورد مخاطبان به‌منظور مثلث‌سازی و افزایش اعتبار نتایج. این طراحی روشی امکان می‌دهد سازوکارهای واقعی تعامل انسان-ماشین و نقاطی که بیشترین تغییر شغلی رخ می‌دهد شناسایی شود و یافته‌ها از سطح ادعاهای کلی فراتر رود.



یافته‌ها

- استفاده از هوش مصنوعی در صنایع خلاق منجر به افزایش حجم کار انسانی شد، نه جایگزینی کامل آن.
- نقش نیروی انسانی در تولید آثار، نامرئی و کم‌اهمیت جلوه داده می‌شود؛ در حالی‌که فناوری برجسته می‌شود.
- بیشترین جابجایی نیروی انسانی در مرحله ایده‌پردازی و طراحی مفهومی رخ می‌دهد.
- کار در پروژه‌های مبتنی بر AI نیازمند مهارت‌های ترکیبی فنی و خلاق است و فشار بازآموزی را افزایش می‌دهد.
- اشتغال در این حوزه همچنان پروژه‌ای، ناپایدار و پرریسک باقی مانده است.
- فرآیند تولید آثار AI به‌شدت داده‌محور و زمان‌بر است و نیازمند نیروی انسانی تخصصی در تحلیل داده‌هاست.
- ابهام در حقوق مالکیت فکری و داده‌های آموزشی مانع اصلی تجاری‌سازی پایدار محصولات خلاق است.
- همکاری انسان و ماشین در پروژه‌ها ماهیت کار خلاق را از خلق اثر به تنظیم و ویرایش خروجی تغییر داده است.



پیشنهادهای سیاستی:

• پیشنهاد اول:

ضروری است که نظام مهارت‌آموزی و آموزش خلاق در عصر هوش مصنوعی بازطراحی شود. به عبارت دیگر، برنامه‌های آموزشی در حوزه‌های هنر، رسانه و طراحی باید به‌روز شوند تا مهارت‌های ترکیبی خلاقیت انسانی و سواد داده‌ای را در بر گیرند. در این راستا، دولت و دانشگاه‌ها می‌توانند با راه‌اندازی «آزمایشگاه‌های مشترک خلاقیت و هوش مصنوعی» زمینه‌ی یادگیری تجربی و بین‌رشته‌ای را فراهم کنند. این اقدام به‌ویژه برای دانشجویان هنر، موسیقی و ارتباطات ضروری است تا بتوانند در محیط‌های کار ترکیبی (انسان-ماشین) رقابت کنند.



پیشنهادهای سیاستی:

• پیشنهاد دوم:

مرز میان «اثر انسانی» و «اثر تولیدشده توسط ماشین» **روزبه روز محو می‌شود؛** بنابراین ضروری است که چارچوب‌های حقوقی روشنی برای مالکیت داده‌ها و آثار مشترک انسان و هوش مصنوعی تدوین شود و نهادهای قانون‌گذار و وزارت فرهنگ باید ضوابط دقیقی برای حقوق پدیدآورندگان در پروژه‌های ترکیبی مشخص کنند. در غیر این صورت، سهم نیروی انسانی در خلق آثار خلاقانه **نامرئی** می‌شود و نابرابری‌های جدیدی در زنجیره ارزش فرهنگی به وجود خواهد آمد.

پیشنهاد سوم:

حمایت هدفمند از بنگاه‌های خلاق کوچک و فریلنسرها در گذار دیجیتال ضروری است، چرا که **شرکت‌های کوچک و مستقل هنری** بیشترین آسیب را از نااطمینانی و نوسان بازار ناشی از هوش مصنوعی می‌بینند. **ایجاد صندوق حمایتی** ویژه نوآوری خلاق با هوش مصنوعی، **اعطای تسهیلات مالیاتی و بیمه‌ای** به فریلنسرها و تسهیل دسترسی آنان به ابزارهای هوش مصنوعی متن‌باز می‌تواند این بخش را در برابر فشارهای فناورانه و اقتصادی مقاوم‌تر کند.





اندیشکده فرهنگ و توسعه

باشگاه مقاله فرتو